



فهرست مطالب

۹.....	مقدمه.....
۱۳.....	رازدار.....
۱۴.....	چرا حقیقت را نگفتی؟.....
۱۵.....	رشوه.....
۱۷.....	حسابگر و دقیق.....
۱۸.....	نان روغنی ممنوع.....
۱۹.....	ردّ مظالم.....
۲۱.....	صد بار امتحان.....
۲۳.....	غذای بیچّه‌ها.....
۲۴.....	تیغ ارّه.....
۲۵.....	چرا این کار را کردی؟.....
۲۶.....	آن شب چیز دیگری خوردیم.....
۲۸.....	ماشین جبهه.....
۲۹.....	سهم خودش.....
۳۰.....	توجیه‌ها.....
۳۱.....	حریم بیت‌المال.....
۳۲.....	کنسرو ماهی به جای آش.....

۳۵	پیراهنِ امانت.....
۳۶	سهم در مأموریت.....
۳۹	شرمنده‌ام.....
۴۲	استفاده‌ی شخصی ممنوع!.....
۴۴	لاستیک زاپاس.....
۴۵	امین اموال.....
۴۶	مال مردم.....
۴۷	می‌روم اما پیاده!.....
۴۸	اینها مال مردم و امانت است.....
۴۹	وظیفه.....
۵۰	دست رنج.....
۵۱	سهمیۀ.....
۵۲	حق یک فرمانده.....
۵۴	تلخی حساب و کتاب.....
۵۶	اورکت سپاه.....
۵۸	دست خالی.....
۶۰	جوابگو.....
۶۱	وسوسه.....
۶۲	اسراف در مهمات.....
۶۳	ما هم مثل آنها.....
۶۵	استفاده تا آخر.....
۶۶	تلفن روی میز.....
۶۷	یک هم‌فکر.....
۶۸	کره‌ی محلی.....
۶۹	فردای قیامت.....
۷۰	شخصی است یا مالِ اداره؟.....

۷۱	باید به کار بیاید
۷۲	مغز بادام
۷۳	چهار ریال بدهکارم!
۷۴	حواله
۷۵	قانع باشید
۷۷	رضایت صاحب مال
۷۸	صرفه جویی
۷۹	حق من
۸۰	دو دل
۸۱	یک بشقاب پر از پاکی
۸۳	کلاس نهضت
۸۴	پاداش شما را از جیب خودم می‌دهم
۸۶	این هنوز قابل استفاده است
۸۷	مایحتاج منزل به جبهه مربوط نیست
۸۸	میوه بهتر است یا کمپوت میوه؟
۹۰	این پول‌ها، پول بیت‌المال است
۹۱	این‌ها مال رزمنده‌هاست
۹۲	بادگیرها مال ما نیست
۹۳	منابع



مقدمه

بیت‌المال یا اموال عمومی، مال مردم است که بایستی برای آنان و مصالح‌شان هزینه شود. استفاده‌ی بدون برنامه و بدون حجت شرعی و قانونی، در واقع حیف و میل آن است. بدترین نوع استفاده از بیت‌المال، هزینه کردن آن در مصارف شخصی، اعم از جاهت یا رفاه و بهره‌وری شخصی، گروهی و جناحی است. امام علی علیه‌السلام، در نامه‌ای به زیادبن ابیه که جانشین فرماندار بصره - ابن عباس - بود، هشدار می‌دهد:

همانا من، به راستی به خدا سوگند می‌خورم! اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه‌ی عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی. (۱)

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در الگوگیری از رفتار امام علی علیه السلام در عدالت و رعایت بیت المال و امانتداری می فرمایند:

«هرکس که بیت المال مسلمین را ملک خود به حساب می آورد - یا به زبان بگوید و یا اگر نگویید در عمل اینطور وانمود کند که ما این قدرها حق داریم - و با بیت المال مثل اموال شخصی خود رفتار کند - یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند - نمی تواند دنباله رو علی علیه السلام به حساب بیاید.» (۱)

خیلی ها، حوزه و قلمرو بیت المال را به گونه ای تفسیر می کنند که تملک و مصرف آن از نظرشان بلامانع باشد. اینکه ما شبانه روز داریم زحمت می کشیم، پس حق داریم؛ اینکه ما با این استفاده خدمت بیشتری می توانیم بکنیم و وقت بیشتری برای خدمت خواهیم داشت؛ اینکه مقررات و ضوابط این اجازه را داده است و ... دهها توجیه و مصلحت آفرینی دیگر، راه را برای استفاده از بیت المال و خدای ناکرده خیانت در اموال عمومی، هموار می کند. بنابراین شناخت مصادیق و میدان بیت المال مهم است؛ چون ناآگاهی نسبت به حیطه ی بیت المال،

بستر لغزش و سوء استفاده را فراهم می‌کند. امکانات عمومی، ساعت کار موظفی در قبال مسئولیت عمومی، وجدان کاری، انضباط و رعایت اولویت‌ها همگی حیطه‌های اموال عمومی هستند که بایستی با جدیت و دقت در راه منافع عمومی صرف شوند.

رزمندگان با تأسی از امام علی علیه‌السلام و سیره‌ی حضرت امام خمینی (ره)، آن‌چنان با احتیاط با اموال عمومی و امانت مردم روبرو می‌شوند که حقاً زبینه‌ی تقوا و اخلاص عمیق و معرفت ناب آنان بود. آنان حتی از اجازه‌ی ضوابط و مقررات هم استفاده نمی‌کردند. نمونه بودند و الگو. در عین نیازمندی، در سختی به سر می‌بردند و از شبهه‌ی استفاده‌ی شخصی پرهیز می‌کردند. این چه معنویت و ایمانی بود که حتی برای استفاده از یک کمپوت، یک دست لباس، یک پوتین و یک فشنگ که برای جبهه و رزمندگان ارسال شده بود، آنقدر امساک و خویشتن‌داری و خودداری می‌کردند؟ راستی چگونه می‌توان عمل رزمنده‌ای را که وقتی مأموریتش نیمه تمام می‌ماند، غذای ساده‌ی مأموریت، یعنی نان و تخم‌مرغ را به پشتیبانی برمی‌گرداند، توجیه کرد؟ چقدر ایمان به قیامت و ترس از حسابرسی؟ چقدر بی‌ادعایی و حقی برای خود قائل نشدن در عین

جانبازی و ایثارهای کم‌نظیر؟ امانتداری و رعایت بیت‌المال تا اینجا؟ تقوای مالی و انضباط اقتصادی تا این حد؟ چه زیبا و دقیق، پا جای پای اولیای خدا نهادند و چه عزتمندانه و بی‌اعتنا از کنار فایده‌ها و چرب و شیرین دنیا گذشتند و تنها به لقای خدا و قرب او اندیشیدند. این خاطره‌ها، عظمت روح و کفّ نفس و قوت ایمان و اراده‌ی محکم رزمندگان را نمایش می‌دهند و همچون سایر ابعادشان، ما را متحیر و مبهوت در حسرت این پاکبها و بزرگیها می‌گذارند و راه برون رفت از تمامی تعلّقات و وابستگیها را نشانمان می‌دهند. و این که می‌شود در قرن علم و تمدن و ماده‌گرایی، الهی زیست و پای‌بند معرفت و ایمان بود و این تمام زیبایی و درخشندگی است. خوشا به حالشان!

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت